



## برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی ششم توسعه و صنعت نفت

صنعت نفت و گاز از مهم‌ترین موضوعات برنامه‌های پنج‌ساله‌ی توسعه به‌شمار می‌رود؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت تحقق وظایف و اهداف تعیین شده در بخش نفت و گاز به‌معنای موفقیت‌آمیز بودن کل برنامه تلقی می‌شود. این اهمیت ناشی از نقش نفت و گاز در تأمین امنیت عرضه‌ی انرژی داخلی و همچنین سهم بالای آن در درآمدهای ارزی کشور است.

برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه که با تاخیر یک‌ساله انجام شد (۱۳۹۴-۱۳۹۰) از جمله برنامه‌هایی است که طی آن به‌دلیل برخی عوامل از جمله شرایط دشوار بین‌المللی و اقتصادی کشور (به‌ویژه در بخش نفت و گاز)، در تحقق اهداف خود ناموفق بوده است. با این وجود همه‌ی ناکامی‌ها نیز ناشی از شرایط دشوار بین‌المللی نبوده و امکان پیشگیری از بخش قابل‌توجهی از این عدم موفقیت‌ها از طریق تدبیر و سیاست مناسب وجود داشت. بلندپروازی در تدوین اهداف، تحمیل وظایف تخصصی و غیرتخصصی بر بخش نفت و گاز و عدم تطابق این وظایف با توان فنی و سرمایه‌ای کشور به‌حدی بود که عدم تحقق این اهداف از همان ابتدا قابل‌پیش‌بینی بود. هدف‌گذاری سرمایه‌گذاری بالغ بر ۲۰۰

میلیارد دلاری در بخش بالادستی صنعت نفت که قرار بود بخش قابل‌توجهی از آن از محل جذب سرمایه‌های بین‌المللی تحقق یابد به‌وضوح با جهت‌گیری‌های سیاسی دولت وقت در تضاد بود. این سیاست‌ها در نهایت منجر به کاهش سطح همکاری‌ها و تسریع در خروج سرمایه و دانش فنی شرکت‌های نفتی بین‌المللی از صنعت نفت شد.

در برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه در قالب ۱۵ ماده‌ی واحده، تکالیف زیادی بر عهده‌ی وزارت نفت و شرکت‌های تابعه‌ی آن گذارده شد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به مواد ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۰ و ۲۲۹ در بخش بالادستی نفت و گاز اشاره کرد. در ماده‌ی ۱۲۵ دستیابی به ظرفیت تولید روزانه‌ی ۵/۱ میلیون بشکه نفت خام و ۱۴۷۰ میلیون مترمکعب گاز طبیعی نسبت به تولید روزانه‌ی ۴ میلیون بشکه نفت و ۶۲۰ میلیون مترمکعب گاز سال پایه‌ی ۱۳۸۹ هدف‌گذاری شد که تقریباً هیچکدام تحقق نیافت. در ماده‌ی ۱۲۶ بر لزوم عقد قرارداد بیع‌متقابل برای اکتشاف و توسعه‌ی میادین جدید در همه‌ی مناطق کشور تأکید گردید. در حالی که به‌دلیل محدودیت‌های بین‌المللی (تحریم‌ها)، بلوک‌های اکتشافی-توسعه‌ای معلق شده و شرکت‌های بین‌المللی نفتی

انصراف خود را اعلام و ایران را ترک کردند و تمرکز بر اکتشاف در مناطق مرزی قرار گرفت. در ماده‌ی ۱۲۹ مبحث صدور پروانه‌های اکتشاف، توسعه و تولید میادین نفت و گاز مورد توجه قرار گرفت که هرچند عملکردها نشان‌دهنده‌ی صدور بیش از ۸۰ پروانه بود اما تقویت حضور بخش خصوصی و ارتقاء سطح رقابت و بهره‌وری تحقق نیافت. مواد ۱۳۰ و ۲۲۹ نیز به‌ترتیب به تحقق افزایش یک درصدی ضریب بازیافت و تولید صیانتی صد درصدی میادین نفتی و گازی در پایان برنامه اشاره داشت که به‌نظر می‌رسد تحقق آنها به برنامه‌ی ششم انتقال خواهد یافت. بنابراین آنچه از مواد قانونی برنامه‌ی پنجم توسعه‌ی مرتبط با بخش بالادستی نفت و گاز برداشت می‌شود، بلندپروازی و عدم توجه به شرایط و ظرفیت‌های موجود داخلی است که در نهایت می‌توان گفت در طول بیش از ۴ سال طی شده از این برنامه، عملکرد توسعه (دست‌کم در بخش بالادستی نفت و گاز) مطلوب نبوده است.

در این شرایط و با توجه به دشواری‌های به ارث رسیده از سیاست‌های نادرست پیشین در حوزه‌ی دیپلماسی سیاسی و اقتصاد بین‌المللی، برنامه‌ی ششم توسعه در دست تدوین قرار گرفته و تمامی بخش‌های اقتصادی از جمله

نفت، فرآیند تدوین برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی توسعه‌ی خود را آغاز کرده‌اند. به‌نظر می‌رسد کسب شناخت کافی از نقاط ضعف و قوت داخلی و فهم درست شرایط بین‌المللی، از عوامل اثرگذار در موفقیت برنامه‌ی توسعه ششم به‌شمار می‌روند. مدیران میانی که فرآیند تدوین برنامه‌ی ششم توسعه‌ی صنعت نفت را برعهده گرفته‌اند همان مدیرانی هستند که برنامه‌ی پنجم توسعه را طراحی کردند و در حال حاضر طرح‌های مصوب این برنامه را به برنامه‌ی ششم منتقل می‌کنند. این موضوع نگرانی از تدوین برنامه‌ی مطابق با واقعیت را دوچندان می‌کند. بنابراین در حال حاضر و با وجود دشواری‌ها و محدودیت‌های فعلی صنعت نفت کشور، برنامه‌ریزان توسعه‌ی این صنعت باید به نکات زیر توجه کافی مبذول دارند:

نخست آنکه از تجربه‌ی گذشته درس بگیریم. آگاه باشیم برنامه‌ی ششم توسعه برنامه‌ی کوتاه‌مدت (پنج‌ساله) است و قرار نیست تمامی مشکلات صنعت نفت طی این دوره‌ی زمانی محدود حل و فصل شود. بنابراین توجه به اولویت‌بندی موضوعات از اهمیت زیادی برخوردار است. تجربه‌ی برنامه‌ی پنجم توسعه با اهداف کلان و سرمایه‌گذاری‌های غیرواقعی‌اش درس خوبی برای ما خواهد بود. امروز با گذشت بیش از ۴ سال از اجرای برنامه‌ی پنجم توسعه، در مجموع ۷۰ میلیارد دلار از سرمایه‌گذاری مورد نیاز صنعت نفت تأمین شده که سهم شرکت ملی نفت ۵۵ میلیارد دلار است. این در حالی است که تنها برای بخش بالادستی نفت و گاز ۲۲۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری پیش‌بینی شده بود. علاوه بر آن ۷۵ درصد این مبلغ نیز از محل منابع داخلی تأمین شده که با توجه به محدودیت این منابع، فشاری مضاعف بر صنعت نفت وارد شده است.

نکته‌ی بعد واقعیت‌گرایی، اذعان و توجه

به شرایط اقتصادی و سیاسی موجود است. تحریم‌های ظالمانه بر ضد صنعت نفت طی ۲ سال گذشته محدودیت‌ها و مشکلاتی را در زمینه‌های جذب سرمایه‌گذاری، فن‌آوری و حتی فروش و صادرات نفت‌خام در این صنعت ایجاد کرده است؛ به‌گونه‌ای که بازبایی شرایط قبل در بازارهای جهانی انرژی حتی با رفع تحریم‌ها نیز فرآیندی زمان‌بر و نیازمند دیپلماسی قدرتمند، اطمینان‌ساز و جسورانه است. بنابراین مناسب‌تر است که با فرض ادامه‌ی شرایط موجود، در تعیین اهداف کلان برنامه‌ی ششم توسعه بر بهره‌گیری از توان و ظرفیت‌های داخلی تمرکز کرده و از آرمان‌گرایی و بلندپروازی‌های برنامه‌ی پنجم اجتناب کنیم.

نکته‌ی سوم شناسایی چالش‌های اساسی صنعت نفت و ارائه‌ی راهکارهای واقع‌گرایانه برای رفع آنها در طول برنامه‌ی ششم توسعه است. جذب ناکافی سرمایه‌گذاری‌های خارجی و عدم کفایت منابع داخلی به‌همراه مدیریت ناکارآمد منابع موجود در سال‌های گذشته منجر به مشکلات و کمبودهای قابل توجهی در بخش بالادستی نفت و گاز شده که مهم‌ترین این موضوعات را می‌توان حفظ و افزایش ظرفیت تولید نفت و گاز برشمرد. انتظار می‌رود با معرفی و ارائه‌ی طرح‌های قابل اجرا و مشخص، در برنامه‌ی ششم توسعه این موضوعات مورد توجه جدی قرار گیرند.

افزایش ظرفیت تولید نفت‌خام و گاز طبیعی از موضوعاتی است که مستقیماً بر حضور ایران در معادلات بین‌المللی و به‌دنبال آن درآمدهای ارزی کشور تأثیرگذار است. با کاهش تولید در سال‌های گذشته کار به‌جایی رسیده که با وجود تأکید برنامه‌ی پنجم توسعه به حفظ جایگاه دومی ایران در اوپک، براساس گزارش منابع ثانویه در ماهنامه‌ی دبیرخانه‌ی

اوپک، کشورمان در رتبه‌ی چهارم قرار گرفته است. هر چند بازبایی جایگاه و نقش ایران در بازارهای بین‌المللی نفت‌خام همواره مورد تأکید وزیر محترم نفت و مدیرعامل شرکت ملی نفت بوده اما ضروری است در این راستا ضمن رعایت اولویت توسعه‌ی میادین مشترک نفت و گاز، تأمین مالی طرح‌های تعریف شده از محل مطمئن انجام و با جدیت دنبال شود.

علاوه بر موارد بالا موضوعات ریز و درشت دیگری نیز از جمله بهبود جذب منابع سرمایه‌ای داخلی و خارجی، حمایت و تقویت توان فنی و مهندسی شرکت‌های داخلی، گسترش روابط انرژی‌محور با کشورهای همسایه، کسب سهم مناسب از بازارهای نوظهور مصرف انرژی، ارتقاء سطح فن‌آوری‌های مورد استفاده‌ی صنعت نفت از اکتشاف تا حفاری، تولید، پالایش و پتروشیمی، ارتقاء سطح کیفی سرمایه‌های انسانی و ... وجود دارند که توجه به آنها در تدوین برنامه‌ی پیشرو، منطبق با واقعیت و اجراپذیر برای صنعت نفت کشور سودمند خواهد بود. به‌طور ویژه مبحث آموزش و صیانت از سرمایه‌های انسانی (با توجه به کم‌کاری‌های دوره‌ی مدیریت پیشین) از جمله حوزه‌هایی است که نیازمند بازنگری و اصلاح جدی در سیاست‌های اجرایی خواهد بود.

در پایان با توجه به موفقیت مردان دیپلماسی خارجی کشور در مذاکرات با شش قدرت جهانی و آغاز روند فروپاشی ساختار تحریم‌های گسترده‌ی غرب، امید است وزارت نفت به‌عنوان موتور محرک و پیشران اقتصاد کشور، تمهیدات لازم را برای رفتار در شرایط بعد از تحریم و شکل‌دهی مناسب همکاری‌های بلندمدت با شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران بین‌المللی اندیشیده باشد.

**سردبیر**